



عبدالاحمد فیض

## کابل در اسارت تعهدات کاذب اسلام آباد

جنگ که علیه استقلال، حاکمیت و امنیت افغانستان از دهه ها بدینسو بیرون از مرزهای ملی کشور ما طراحی و بوسیله مخوف ترین گروه های دهشت افکن و تروریستی به قیمت جان میلیون ها افغان و ویرانی کشور ما به اجرا گذاشته میشود، بانیات و اهداف معینی گره میخورد که در محور مقاصد تجاوز کارانه ژئوپولیتیک پاکستان قرار داشته و سیاست ضد افغانی آن کشور بر مبنای آن پایگذاری گردیده است. این استراتژی که با اهداف و منویات سلف آن یعنی استعمار شبا هت دارد، وجود یک افغانستان آزاد، مرفه و قدرتمند را در همسایگی خود بزیان منافع ملی و بقای کشوری میداند که بصورت غیر طبیعی در سال (۱۹۴۷) م وارد نقشه سیاسی جهان گردید. لذا طرز تفکر حاکم در آنسوی خط تحمیلی دیورند، وجود یک افغانستان مقتدر با داشتن جایگاه و نقش منوثر سیاسی، دیپلوماتیک و بازیگر فعال در عرصه همگرایی منطقوی را منتفی و انرا فکتوری به فرجام خود کا مگیا، کاهش اقتدار و نفوذ منطقوی و نیز عامل برچیدن کانونهای شرارت و دهشت میخواند که پاکستان از آنها بمتابه ابزار زور و اسباب تجاوز و دخالت علیه کشورهای همسایه و حاکمیت های مستقل منجمله کشور ما استفاده مینماید. فلذا اسلام آباد بمنظور دستیابی به نیات و مقاصد جنون آمیزش از هیچگونه ویرانگری در تمام مراحل بحران کشور ما دریغ نورزیده و بوضوح به اثبات رسانیده است که آن کشور هیچگاهی از منافع که روی آن سرمایه گذاری نموده و آن عبارت از فروپاشی کامل حاکمیت ملی افغانستان، تجزیه و یا تحمیل یک نظام مزدور با شد دریغ نخواهند ورزید. همین اکنون این کانون دهشت و توحش و متحد دروغین ائتلاف جهانی ضد تروریسم میزبانی هزاران شبه نظامیان مزدور را از کشورهای مختلف بدوش دارد که بعد از آموزش تروریست در مراکز تربیت تروریستی مستقر در قلمرو آن کشور صرفاً به هدف قتل و کشتار غیر نظامیان و تضعیف حاکمیت افغانستان فرستاده میشود. پاکستان علی الرغم ویرانیها و صدمات جبران ناپذیر که تا کنون از رهگذر تجاوزات وسیع و سازمان یافته آن کشور بر پیکر خونین میهن ما وارد گردیده است، در جنب استفاده از نبرد های سایکولوژیکی، فرهنگی و اقتصادی علیه دولت مردم افغانستان، دوام و توسعه جنگ را در محراق سیاست خارجی علیه افغانستان قرار داده و با اقدامات ریاکارانه و کاذب مبنی بر همکاری باروند اشتهای افغانها، فرمان توسعه جنگ را در افغانستان از محور های متفاوت صادر نموده است. بطراحان سیاست تداوم قتل و انسان کشی در افغانستان با سئو استفاده از ضعف ها و ناتوانی های اداره کابل و با تعقیب رویکرد اغوا و فریب، مقامهای کابل و حلقات معین بدیهه گور جز سزا که کماکان به وعده دروغین اسلام آباد دل بسته است، از و رای سه جبهه وارد کارزار افغانستان گردیده است:

الف- ایجاد جبهات جدید جنگ با اعزام گروه های تروریستی چند ملیتی از کشورهای مختلف جهان.

ب- گسترش همکاری های تسلیحاتی، اطلاعاتی، مالی و غیره به مخالفان مسلح بومی به عزم توسعه بحران در فصل جدید جنگ در افغانستان.

ج- راه اندازی سیاست تفرقه و تعصبات مذهبی، قومی و زبانی بوسیله گماشتگان اداره جاسوسی اسلام اباد در میان اقوام و ملیتهای گوناگون ساکن در کشور که باتاسف درینروزها نه تنها در میان اهالی بومی کم سواد و یا بی سواد ترویج میگردد، بلکه در میان نخبگان افغانی نیز اثرات ملموس و قابل توجه داشته است.

د- اخیر و خطرناکتر از همه اینکه ان کشور خود بطور صریح و آشکار به مداخلات مرزی اش با بمباردمان مناطق تحت حاکمیت کشور تشدید قابل ملاحظه بخشیده که هر روز بدون اینکه با عکس العمل متقابل مواجه گردد از مردم ما قربانی گرفته و حتی در داخل قلمرو افغانستان از قبیل هلمند، کنرها و پکتیکا به اعمار بارکها و پایگاه های نظامی مبادرت ورزیده است.

اسلام اباد با دادن وعده صلح و اخراج مخالفان مسلح افغانی از مکانهای امن آنها در مناطق تحت حاکمیت ان کشور که در تناقض اشکار با اصل عدم مداخله و تجاوز و پرنسبپ حسن همجواری از سالها ست مورد حمایت ان کشور قرار داشته و دخالت ان کشور را در قضایای داخلی افغانستان مبرهن میسازد، ادامه میدهد. اداره بدنام جاسوسی (ای-اس-ای) همین اکنون خشن ترین و بیشرمانه ترین نوع از تجاوزات ظاهراً نامرئی خویش را در قالب اعزام ملیشها و نیروهای منظم از ارتش ان کشور بعزم راه اندازی عملیات مخفی و یا اجرای عملیات تحت پرچم دروغین به هدف به اصطلاح تسریع روند فروپاشی نظام سیاسی افغانستان در دور جدیدی از نبردهای نیابتی ان کشور شدت بخشیده است. همین اکنون هزاران نظامی پاکستانی و جواسیس شبکه اطلاعاتی ان کشور در جبهات مختلف در داخل قلمرو افغانستان بالبسه و تجهیزات طالبان و سایر مخالفان مسلح دولت افغانستان علیه رزمندگان و مدافعان دلیر کشور مصروف جنگ بوده که در کنار حمایتهای گسترده و سخاوتمندانه سیاسی و نظامی از گروه های مسلح چندین ملیتی مزدور، سهم گیری مستقیم نظامی میان اسلام اباد در جنگ، گستردگی تجاوز و عمق مداخلات اداره اسلام اباد را در امور داخلی کشور ما بوضوح به اثبات میرساند.

در زمینه میخوام وضاحت دهم که کاربرد اصطلاح عملیات تحت پرچم دروغین نظامیان پاکستانی در نبردهای خونین جاری در کشور ما ظاهراً با مفاهیم ناشی از اصطلاح عملیات پرچم دروغین که در ان رزمندگان دشمن با استفاده کاذب از درفش ملی، لباس، یونیفورم و تجهیزات طرف درگیر عملیات ضد خودی را انجام میدهند و بعد با صحنه ارائه دروغین مسوولیت تجاوز و جنایت جنگی را بدشمن نسبت میدهند، متفاوت به نظر رسیده زیرا شرکت وسیع نظامیان پاکستانی و جواسیس (ای-اس-ای) در جنگ تحمیلی کشور ما نه تحت پوشش لباس نظامیان ملی ما بلکه در لباس مخالفان مسلح بومی در همه جبهات جنگ حضور داشته و حتی جنرالان فوج ان کشور مسوولیت رهبری و انسجام امور جنگی را در پیش دارند و سعی مینمایند تا مخالفان مسلح و اجیران جنگی تحت حمایت شانرا در بخش از قلمرو افغانستان مسلط و با ایجاد حاکمیت غیر مشروع در بخش معین کشور و در کنار نظام کنونی، در راستای شناسایی یک ساختار مزدور تلاش نموده و به مشروعیت نظام کنونی خاتمه بخشند.

بایست تصریح نمود که هدف از نوشتن سطور چند در پیوند با ابعاد و گستره مداخلات و تجاوزات اسلام اباد در امور داخلی کشور ما باز نویسی و تکرار قضایای نیست که همگان در داخل کشور، منطقه و جهان از ان آگاهی دارند. بلکه تمرکز مجدد روی گذشته تاریخی عملکرد و اقدامات نظامیان مرتجع و اداره استخباراتی پاکستان که فرمان تجاوز و ویرانی کشور ما را در دست دارند، از جهتی درین مختصر مطمح نظر قرار میگردد، که مقامات و مجریان سیاست در کابل چنان به وعده های دروغین حکومت و جواسیس اسلام اباد مبنی بر کمک در پروسه مذاکرات صلح شیفته گردیده است که گویا این همان کشوری نیست که از سالهاست در تخریب و ویرانیهای عظیم و غیر قابل تصور درین کشور دست داشته و آتش ناشی از همان مداخلات آشکار و مخفی ان کشور کماکان با ابعاد بیش از گذشته در افغانستان مشتعل است. اظهارات متناقض رهبران اسلام اباد در رابطه به حل مسالمت آمیز منازعه کشور که بیرون از مرزهای ملی ما طراحی و تعمیل میگردد، گواه برین حقیقت است که مجریان جنگ، ترور و وحشت در افغانستان به میکانیزم های مشروع حل مناقشات باور ندارند. چنانچه اظهارات غیر منطقی، غیر دیپلماتیک و مجراجویانه سرتاج عزیز مسؤل روابط خارجی در حکومت پاکستان که اخیراً بیان داشته که گویا انها نمیتوانند دستور شرکت در مذاکرات صلح با کابل و ترک مخالفت مسلحانه را به طالبان صادر نمایند هکذا

اظهارات مولوی سمیع الحق رهبرجماعت اسلامی پاکستان که به تداوم جها د و همکاری با طالبان مباحات -- مینماید از اهداف هوشمندانه دمرجع اصلی قدرت (اطلاعاتی- مذهبی) در اسلام اباد حکایه دارد که باورهای مدعیان اشتهی ومصالحه را از ادرس جنگ ( اسلام اباد) منتفی نموده وبه ترک مخاصمات و منازعات ازورای مذاکره وتفاهم سیاسی به نفع دوام جنگ وخونریزی درکشوربدون تردید نقطه فرجام میگذارد.

فلذا درین برهه حساس تاریخی که دشمن به دوام جنگ وخونریزی درکشورما اصرارمی ورزدومی خواهند که منافع واهداف خصمانه خود را که همانا واگذاری خاک ویا ایجاد نظام مزدوردرکشورماست ، درمیدان نبرد وبا توسل بزوریدست آورد ، انتظاراوردن صلح وباورداشتن به تعهدات ووعدده های دروغین حامیان جنگ جزء یک اشتباه تاریخی بزرک وبازتاب عدم درایت سیاسی سردمداران قدرت درکابل چیزی بیش نبوده لذاء مردم رنجدیده کشوراز نظام حاکم می خواهند تا باتغیروویکردهای نادرست کنونی واتخاذ سیاست مدبرانه گذاربه دفاع قاطع ازاستقلال ، حاکمیت ملی وتمامیت ارضی افغانستان به دوام سیاست انتظا ربه وعده کاذب صلح به انانیکه جزء حرف زور به هیچ ادبیا تی عاری ازخسونت باورندارند ، نقطه فرجام گذاشته وبا رهای ازاسارت تعهدات واهی واغواگرانه حامیان جنگ ،ترورووحشت ، درسنگرهای داغ وپرافتخاردفاع ازافغانستان شتافته وبا کاربردحق دفاع مشروع دربرابر عنصرتجاوزوپپیام اوران وحشت وبربریت با مشارکت کلیه نیروهای ملی ووطنپرست ومدافعان دلیروطن دامن مقدس وطن را ازلوٹ گروه های مزدوروگما شنگان بیگانه پاک ومسؤولیت ملی وتاریخی خویش رادر تأمین صلح وامنیت پایداردرکشوربه انجام رساند.